

خريد خانه، توسعه کسب‌وکار، فرزندآوری یا حتی برنامه‌ریزی برای چند سال آینده؛ بسیاری از تصمیم‌هایی که زمانی بخشی عادی از زندگی ایرانیان بود، در یک سال گذشته به حالت انتظار درآمده است، نوعی پلاتکلیفی مداوم که هر روز با موج تازه‌ای از اخبار، گمانه‌زنی‌ها و روایت‌های متناقض بازنویسد می‌شود.

به گزارش اقتصادنیوز، یک جامعه‌شناس شهری و استاد دانشگاه تهران گفت: تغییرات در طبقه متوسط جامعه بیش از هر زمان دیگری مشهود است. به‌ویژه در شهرهای بزرگ، طبقه متوسط ممکن است از منظر درآمدی، سکونت و مصرف شباهت هایی با الگوهای زندگی طبقه فقیر پیدا کند.

مریم زارعیان، جامعه‌شناس، معتقد است جامعه ایران امروز بیش از آنکه درگیر یک بحران مشخص باشد، در وضعیت «تعلیق» به سر می‌برد؛ وضعیتی که به تدریج توان برنامه‌ریزی، امید به آینده و احساس کنترل بر زندگی را فرسوده می‌کند.

گفت‌وگوی مریم زارعیان، جامعه‌شناس، درباره یک سال زندگی در وضعیت تعلیق، جنگ، آتش‌پس و آینده جامعه ایران را بخوانید.

***خانم زارعیان!** یک سال از زمانی که جامعه ایران با پدیده جنگ روبه شد می‌گذرد، در این یک سال گام‌ها با توقف موقت تنش نظامی روبرو بوده ایم اما جامعه همچنان سایه جنگ را می بینند و وضعیت «نه جنگ، نه صلح» را تجربه می‌کند. این وضعیت چه تفاوتی با بحران‌های اقتصادی یا سیاسی گذشته دارد؟

در شرایط عادی، افراد زندگی خود را بر اساس پروژه‌های آینده سامان می‌دهند؛ برای پنج سال بعد، برای دوران بازنشستگی، برای تحصیل فرزندان یا توسعه کسب‌وکار برنامه‌ریزی می‌کنند. اما در وضعیت نه جنگ و نه صلح، افق تصمیم‌گیری کوتاه‌تر می‌شود. افراد به جای آنکه چند سال جلوتر را ببینند، دائماً در حال ارزیابی هفته‌ها و ماه‌های پیش رو هستند.

مهم نیست چی میشه، فقط تعیین تکلیف بشیم!

شاید بزرگ‌ترین تفاوت این دوره با بحران‌های گذشته نیز همین باشد. در بحران‌های پیشین مردم می‌کوشیدند خود را با یک واقعیت دشوار تطبیق دهند، اما امروز بخش مهمی از جامعه در تلاش است خود را با یک «احتمال» تطبیق دهد. پس شاید بتوان گفت مهم‌ترین ویژگی فضای اجتماعی امروز ایران، نه ترس از جنگ و نه امید به صلح، بلکه خستگی ناشی از انتظار است؛ متأسفانه به شخصه این جمله را زیاد شنیدم که «مهم نیست چی میشه، فقط تعیین تکلیف بشیم!» ***بله فکر می‌کنم بسیاری از ایرانیان در یک سال گذشته بیشتر در حال رصد اخبار بودند تا برنامه‌ریزی برای آینده. این وضعیت را چطور تفسیر می‌کنید؟**

به گمان من این یکی از مهم‌ترین و در عین حال کمتر دیده‌شده‌ترین پیامدهای فضای یک سال گذشته است. اگر بخواهیم وضعیت امروز جامعه ایران را در یک عبارت خلاصه کنیم، شاید بتوان گفت بسیاری از مردم بیش از آنکه در حال ساختن آینده باشند، در حال انتظار برای رسیدن خبری هستند که آینده را برایشان تعریف کند.

در شرایط عادی، خبر بخشی از زندگی روزمره است؛ مردم اخبار را دنبال می‌کنند تا از تحولات آگاه شوند. اما در دوره‌های طولانی نااطمینانی، رابطه جامعه با خبر تغییر می‌کند. خبر دیگر صرفاً ابزار اطلاع‌رسانی نیست، بلکه به نوعی وسیله کاهش اضطراب تبدیل می‌شود. افراد تصور می‌کنند شاید خبر بعدی همان خبری باشد که تکلیف همه چیز را روشن می‌کند؛ اینکه آیا تنش‌ها کاهش پیدا می‌کند یا تشدید می‌شود، آیا اقتصاد وارد دوره‌ای پائین‌ات خواهد شد یا نه؟

فروارد اخبار از مهمترین بخش تعاملات روزمره گروه‌ها شده
به همین دلیل است که در ماه‌های اخیر شاهد نوعی وابستگی گسترده به جریان اخبار بودیم. افراد روز خود را با بررسی کانال‌های

مهمترین نیاز امروز مردم ایران چیست؟

فرسایش توان جامعه برای تصور «آینده»

مریم زارعیان، جامعه‌شناس، معتقد است جامعه ایران بیش از آنکه با ترس جنگ مواجه باشد، زیر فشار فرساینده «انتظار برای روشن شدن آینده» زندگی می‌کند.



خبری آغاز می‌کنند و شب را نیز با مرور آخرین تحولات به پایان می‌رسانند. حتی در گروه‌های خانوادگی که قبلاً محل ارسال عکس‌ها و موضوعات خصوصی خانوادگی بود، اینکه چه خبری آمده یا فروراد اخبار یکی از مهمترین بخش تعاملات روزمره این گروه‌ها شده؛ فاصله زمانی میان انتشار اخبار مهم هم به شدت کوتاه شده؛ این شرایط هم بازار شایعات و گمانه زنی‌ها و خبرهای فیک را داغ کرده. چون بستر آن آماده است.آماده‌باش ذهنی افراد جامعه برای یک خبر مهم! اما مسئله اینجاست که آن «خبر تعیین‌کننده» که قرار است تکلیف آینده را روشن کند، معمولاً از راه نمی‌رسد. هر خبر تازه، آنجا جای خود را به خبر بعدی می‌دهد و جامعه همچنان در چرخه انتظار باقی می‌ماند.

می‌توان گفت نوعی تعلیق زمانی شکل گرفته است. یعنی افراد از نظر فیزیکی در حال زندگی کردن هستند، اما از نظر ذهنی بخشی از زندگی خود را به آینده‌ای نامعلوم موکول کرده‌اند. زندگی روزمره ادامه دارد، اما بسیاری از تصمیم‌های مهم زندگی در حالت انتظار باقی‌مانده.

خب این وضعیت به تدریج نوعی فرسودگی ذهنی هم ایجاد می‌کند. انسان برای حفظ امید و انگیزه نیاز دارد احساس کند می‌تواند بر بخشی از آینده خود اثر بگذارد. اما وقتی آینده دائماً به متغیرهای غیرقابل پیش‌بینی گره بخورد، این احساس کنترل فرب بر زندگی کم می‌شود.

خطر اصلی نه جنگ است نه مشکلات اقتصادی، بلکه …

***اگر این وضعیت تعلیق ادامه پیدا کند، جامعه ایران‌ا چه خطورهایی مواجه خواهد شد و خروج از این چرخه نیازمند چیست؟**
اگر بخواهم مهم‌ترین خطر تدوام این وضعیت را در یک جمله خلاصه کنم، باید بگویم خطر اصلی نه جنگ است و نه حتی مشکلات اقتصادی؛ بلکه فرسایش تدریجی توان جامعه برای تصور آینده است. جوامع زمانی می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، خانواده تشکیل دهند، ناآووری کنند و امید خود را حفظ کنند که آینده، هرچند دشوار، حتی قابل پیش‌بینی باشد. آنچه امروز جامعه ایران را تحت فشار قرار داده، صرفاً وجود مشکلات نیست، بلکه دشوار شدن پیش‌بینی مسیر تحولات است.

جامعه بیش از هر چیز به «قابلیت پیش‌بینی» نیاز دارد

باید توجه داشت که مردم لزوماً انتظار ندارند همه مسائل یک‌باره حل شود. در بسیاری از کشورهای جهان نیز شهروندان با تورم، رکود، تنش‌های سیاسی یا چالش‌های امنیتی زندگی می‌کنند. اما تفاوت در این است که آنها معمولاً می‌دانند بر چه زمینی ایستاده‌اند و می‌توانند برای ماه‌ها و سال‌های آینده برنامه‌ریزی کنند. جامعه بیش از هر چیز به «قابلیت پیش‌بینی» نیاز دارد. مردم نیاز دارند بدانند فردا بر چه منطقی بنا شده است، حتی اگر آن فردا چندان ایده‌آل نباشد.

*** بازار آرام و داد در ایران به جایی رسیده که برای دریافت پول فوری، نه‌تنها خانه و خودرو، بلکه سیم‌کارت هم وثیقه وام می‌شود.**
اگر وضعیت تعلیق طولانی شود، نخستین پیامد آن کوتاه شدن افق تصمیم‌گیری است. در چنین شرایطی افراد به جای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، به تصمیم‌های کوتاه‌مدت و محافظه‌کارانه روی می‌آورند. سرمایه‌گذار توسعه فعالیت اقتصادی را به تعویق می‌اندازد، خانواده خرید مسکن را عقب می‌اندازد، زوج‌های جوان درباره فرزندآوری مردد می‌شوند و بسیاری از جوانان نیز به جای طراحی یک مسیر حرفه‌ای بلندمدت، صرفاً به دنبال کاهش ریسک‌های پیش‌رو هستند. اما شاید آسیب عمیق‌تر، فرسایش سرمایه انسانی باشد. سرمایه انسانی فقط به معنای نیروی کار تحصیل کرده نیست؛ بلکه به معنای انرژی، انگیزه، خلاقیت و اعتماد به آینده است. جامعه‌ای که برای مدت طولانی در وضعیت انتظار باقی بماند، به تدریج بخشی از این سرمایه را از دست می‌دهد. افراد کمتر ریسک می‌کنند، کمتر کارآفرینی می‌کنند و کمتر پروژه‌های بلندمدت را آغاز می‌کنند. این نوع فرسایش آرام و تدریجی است، اما آثار آن می‌تواند سال‌ها باقی بماند.

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی نیز در معرض آسیب قرار می‌گیرد. وقتی افق آینده مبهم باشد، افراد بیش از پیش به دایره‌های کوچک خانوادگی و شخصی پناه می‌برند. مشارکت جمعی کاهش پیدا می‌کند و نوعی فردگرایی دفاعی شکل می‌گیرد. هرکس تلاش می‌کند برای خود و خانواده‌اش راهی برای عبور از نااطمینانی پیدا کند، زیرا نسبت به آینده مشترک اطمینان کمتری دارد. تدوام این روند می‌تواند بازسازی اعتماد اجتماعی را دشوارتر کند.

***طلافروشان بازار تهران می‌گویند ویتزین‌ها هنوز پر از طلا است، اما مشتریان این روزها بیشتر برای فروش آمده‌اند تا خرید؛ برای پرداخت اجاره، هزینه درمان و مخارج روزمره.**

با این حال، تجربه جوامع مختلف نشان می‌دهد خروج از چنین دوره‌هایی الزاماً به معنای حل کامل همه مشکلات نیست. آنچه اهمیت دارد، بازگشت امکان برنامه‌ریزی است. جامعه زمانی آرام‌تر می‌شود که بتواند میان امروز و فردا رابطه‌ای قابل فهم برقرار کند. حتی در شرایط دشوار اقتصادی نیز اگر مردم احساس کنند قواعد بازی روشن است و مسیر تحولات تا حدی قابل پیش‌بینی است، توان سازگاری و تاب‌آوری جامعه افزایش پیدا می‌کند.

مهمترین نیاز امروز جامعه ایران، بازسازی افق آینده است

به همین دلیل شاید مهم‌ترین نیاز امروز جامعه ایران، بیش از هر چیز بازسازی افق آینده باشد. مردم نیاز دارند احساس کنند تصمیم‌هایی که امروز می‌گیرند، فردا بی‌معنا نخواهد شد؛ اینکه سرمایه‌گذاری، آموزش، ازدواج، فرزندآوری یا ماندن در کشور می‌تواند بر مبنای نوعی ثبات نسبی برنامه‌ریزی شود. مردم لزوماً آینده‌ای ایده‌آل نمی‌خواهند؛ آینده‌ای قابل پیش‌بینی می‌خواهند.

به نظر می‌رسد مسئله اصلی امروز ایران فقط این نیست که جنگ می‌شود یا نمی‌شود. مسئله این است که آیا جامعه می‌تواند دوباره به آینده اعتماد کند یا نه. زیرا هر جامعه‌ای می‌تواند با دشواری‌های زندگی کند، اما هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند برای مدت طولانی بدون روشن زندگی کند. اگر آینده از ذهن مردم حذف شود؛ حتی در غیاب جنگ نیز نوعی فرسودگی جمعی شکل می‌گیرد که بحران آن بسیار دشوار خواهد بود. مردم لزوماً آینده‌ای ایده‌آل نمی‌خواهند؛ آینده‌ای قابل پیش‌بینی می‌خواهند.

او می‌افزاید: واکنش‌های سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی، نابرابری میان سرمایه‌گذاری‌های ورزشی نخ‌باز و کمک‌های بشردوستانه مردمی را برجسته کرد و خشم عمیق داخلی را برانگیخت. واکنش کند و نامنظم حزب حاکم انقلابی نهادی (PRD) شهروندان را مجبور به تشکیل تپ‌های نجات و بازسازی مستقل کرد. این شبکه‌های مردمی جمعیت حاشیه‌نشین را سیاسی کردند.

جام جهانی در سایه زلزله؛ مرور زمین‌لرزه‌های بزرگ همزمان با ادوار مختلف فوتبال جهان
به گفته زارع، خود جام جهانی نیز به صحنه‌ای برای مخالفت تبدیل شد. در مراسم افتتاحیه ورزشگاه آزتکا، رئیس‌جمهور دلا مادرید با صدای بلند از سوی جمعیت هو شد. شهروندان از حضور رسانه‌های بین‌المللی برای اعتراض استفاده کردند و رویدادی را که قرار بود نمادی از بهبود ملی باشد، به محلی برای انتقاد از بی‌عملی دولت در قبال پیامدهای زلزله تبدیل کردند. این استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی با اشاره به جام جهانی فوتبال ۱۹۹۰ ایتالیا می‌گوید: برای ایرانیان، رخداد زمین‌لرزه ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ منجیل با بزرگی ۷٫۳، که همزمان با برگزاری مسابقات جام جهانی بود، یادآور حادثه‌ای بسیار تلخ است. فوتبال ناخواسته نقش مهمی در نجات جان هزاران نفر ایفا کرد؛ افرادی که برای تماشای مسابقه برزیل و اسکاتلند بیدار مانده بودند.

او توضیح می‌دهد: شهرهای رودبار، منجیل و لوشان به همراه بیش از ۷۰۰ روستا تقریباً به طور کامل با خاک یکسان شدند. این فاجعه منجر به مرگ حدود ۱۵ هزار و ۸۰۰ نفر، زخمی شدن ۶۰ هزار نفر و بی‌خانمانی حدود ۱۰۰ هزار نفر شد. زارع در ادامه به روایت زندگی‌های عباس کیارستمی از این فاجعه اشاره می‌کند و می‌گوید: این فیلم‌ساز شهیر ایرانی بلافاصله پس از زلزله به منطقه آسیب‌دیده سفر کرد تا بازگیران جوان فیلم «خانه دوست کجاست» را پیدا کند. این سفر الهام‌بخش ساخت شاهکار بعدی او، «زندگی و دیگر هیچ…» شد. او ادامه می‌دهد: یکی از مضامین اصلی این فیلم آن است که در میان ویرانه‌ها، آوار و آندوه عظیم، بازماندگان در حال همکاری برای نصب یک آنتن تلویزیونی موقت بر روی تپه دیده می‌شوند. آنها با وجود از دست دادن خانه‌ها و اعضای خانواده خود، مصمم هستند سیگنال پخش را برای تماشای مسابقه مرحله حذفی جام جهانی ۱۹۹۰ میان آرژانتین و برزیل دریافت کنند.

زارع با اشاره به جام جهانی ۲۰۰۲ کره جنوبی و ژاپن می‌گوید: همزمان با برگزاری این رقابت‌ها، زلزله چنگوره (اوج) در اول تیر ۱۳۸۱ با بزرگی ۶٫۳ در غرب روستای آبرکرم رخ داد. بیشترین خسارات در روستاهای آبردره و چنگوره ثبت شد. این زلزله ۲۳۳ کشته، حدود ۱۵۰۰ زخمی و بیش از ۵۰ هزار بی‌خانمان برجای گذاشت.

او در پایان با اشاره به رخدادهای اخیر می‌گوید: سه روز پیش از آغاز جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا، مکزیک و کانادا، زلزله‌ای با بزرگی ۶٫۱ در غرب کوبا موجب وحشت تیم‌های شرکت‌کننده مستقر در کمپ‌ها شد. روز دوشنبه ۸ ژوئن ۲۰۲۶، برابر با ۱۸ خرداد ۱۴۰۵، این زمین‌لرزه به اندازه‌ای قدرتمند بود که لرزش‌های قابل توجه آن در فلوریدای جنوبی و مرکزی نیز احساس شد.

به گفته زارع، در محل استقرار تیم پرتغال در پالم بیچ گاردنز و همچنین در کمپ تیم ملی انگلیس در اولاندو که پیش از دیدار دوستانه مقابل کاستاریکا مستقر بود، لرزش زمین به‌وضوح احساس شد و موجب نگرانی و وحشت اعضای تیم‌ها شد.



کاهش بوروکراسی اداری و افزایش شفافیت برای فعالان صنعت غذا



معاون وزیر بهداشت، با تأکید بر اهمیت دسترسی آحاد جامعه به غذای سالم و ایمن، هوشمندسازی فرآیندها را یکی از مهم‌ترین راهبردهای ارتقای ایمنی غذایی و تضمین سلامت عمومی عنوان کرد.

به گزارش الینا از ایفدانا، مهدی پیرصالحی، در وبینار گرامیداشت روز جهانی ایمنی غذا و باژاموزی سامانه ثبت فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی برای مدیران، کارشناسان معاونت‌های غذا و دارو و مسئولان فنی، با بیان اینکه تأمین غذای سالم و ایمن از حقوق اساسی شهروندان است، گفت: بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و حرکت از روش‌های سنتی به سمت سامانه‌های هوشمند، نقش مؤثری در افزایش شفافیت، تسهیل فرآیندها و ارتقای نظام نظارت بر زنجیره تأمین و تولید مواد غذایی دارد. وی با اشاره به دوره‌برداری از سامانه جامع صدور پروانه ساخت فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی، افزود: این سامانه در چارچوب برنامه هفتم توسعه و بر اساس مصوبات هیأت مقررات‌زایی طراحی شده است و با هدف کاهش بوروکراسی اداری، تسریع خدمات و افزایش شفافیت برای فعالان صنعت غذا راه‌اندازی شده است. پیرصالحی، تدوین ضوابط

برجسب الکترونیکی را از دیگر اقدامات مهم سازمان غذا و دارو، برشمرد و گفت: استفاده از فناوری‌های نوین در رهگیری و احراز اصالت محصولات غذایی، امکان دسترسی مصرف‌کنندگان به اطلاعات دقیق و معتبر را فراهم کرد و زمینه‌ساز افزایش اعتماد عمومی به اقدامات ایمنی محصولات خواهد بود. وی با اشاره به توانمندی‌های آزمایشگاه مرجع کنترل غذا و داروی کشور تصریح کرد: دریافت تأییدیه‌های معتبر بین‌المللی، جایگاه‌این آزمایشگاه را در ارزیابی و کنترل کیفیت محصولات غذایی تثبیت کرده و بستر مناسبی برای توسعه صادرات ایمن و رقابت‌پذیر محصولات غذایی ایران در بازارهای جهانی فراهم آورده است.

پیرصالحی به اقدامات انجام شده در حوزه ارتقای سلامت عمومی اشاره کرد و گفت: کاهش اسیدهای چرب ترانس به کمتر از ۲ درصد(هم‌تراز با استانداردهای جهانی)، اجرای برنامه کاهش مصرف آنتی‌بیوتیک در فرآورده‌های لبنی(مقابله با مقاومت میکروبی) و توسعه تولید و مصرف نان‌های سبوس‌دار، از مهم‌ترین برنامه‌های اجرایی در راستای بهبود کیفیت تغذیه و پیشگیری از بیماری‌های مرتبط با سبک زندگی به‌شمار می‌رود. رئیس سازمان غذا و دارو ضمن قدرانی از تمامی دست‌اندرکاران زنجیره تأمین و تولید غذا، از کشاورزان، تولیدکنندگان، کارشناسان و ناظران فنی به عنوان ارکان اصلی تحقق ایمنی غذایی یاد کرد و گفت: دستیابی به این دستاوردها حاصل همکاری و تلاش مستمر تمامی فعالان این حوزه است. وی در پایان بر نقش آگاهی عمومی در ارتقای ایمنی غذا تأکید کرد و از مردم خواست

با استفاده از سامانه‌های رهگیری، برجسب‌های الکترونیکی و توجه به اصول بهداشتی و تغذیه‌ای، در مسیر تحقق جامعه‌ای سالم‌تر و برخوردار از غذای ایمن، به مشارکت فعال داشته باشند.

وقتی جام جهانی با مرگبار ترین زلزله‌های جهان گره خورد

از مکزیک تا منجیل



بزرگ‌زانی این مسابقات، زلزله سال ۱۹۷۸ تسالونیکي یونان با بزرگی ۶٫۵ در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۸ خسارات گسترده‌ای به بار آورد و در ۴۵ نفر در این حادثه جان خود را از دست دادند. خسارت این زلزله بین ۲۵۰ میلیون تا یک میلیارد دلار به قیمت زمان سال برورد شد.

زارع می‌گوید: در جریان جام جهانی ۱۹۸۲ اسپانیا نیز زلزله‌ای با بزرگی ۷٫۳ در السالوادور در ۱۹ ژوئن ۱۹۸۲ رخ داد که دست‌کم ۴۰ کشته بر جای گذاشت و موجب خسارات گسترده و زمین‌لغزش در جنوب سان‌سالوادور و همچنین خسارات قابل توجهی در جنوب شرقی گواتمالا بود. او با اشاره به عنوان میزبان ایجاد کرد، مجبور به انصراف از میزبانی ادامه می‌دهد: حدود هشت ماه پیش از آغاز جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک، در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۵ ساعت ۷:۱۸ صبح، ساکنان مکزیکوستیتی با زلزله‌ای به بزرگی ۸٫۱ از خواب پریدند. این رخداد از قوی‌ترین زلزله‌هایی بود که تاکنون در این منطقه ثبت شده است. در این حادثه ۳ هزار ساختمان در مکزیکوستیتی تخریب و ۱۰۰ هزار ساختمان آسیب دید. ۱۰ هزار نفر جان باختند، ۳۰ هزار نفر زخمی شدند و هزاران نفر دیگر بی‌خانمان شدند.

زارع تأکید می‌کند: رخداد زلزله ۸٫۱ مکزیک در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۵، تنها هشت ماه پیش از جام جهانی فوتبال ۱۹۸۶، موانع لجستیکی، اقتصادی و اجتماعی، سیاسی عظیمی را برای حفظ جایگاه این کشور به عنوان میزبان ایجاد کرد. میزبانی یک تورنمنت بین‌المللی فوتبال با ۲۴ تیم در شرایط عادی نیز بسیار دشوار است و انجام آن هشت ماه پس از یک فاجعه بزرگ شهری، موانع بی‌سابقه‌ای را در وجود آورد.

به گفته او، یکی از پرسش‌های اساسی این بود که آیا زیرساخت‌های اصلی ورزشی بدون آسیب باقی‌مانده‌اند یا خیر. ارزیابی‌های مهندسی نشان داد ورزشگاه‌های بزرگ، از جمله ورزشگاه آزتکا و ورزشگاه المپیک یونیورسیتاریو، هیچ آسیب ساختاری بحرانی ندیده‌اند. فیفا به رهبری ژائو هاولانز و کمیته سازماندهی مکزیک با انجام بازرسی‌های فوری تلاش کردند به افکار عمومی جهان اطمینان دهند و مکان‌های مسابقات را ایمن اعلام کردند. آنها قاطعانه هرگونه پیشنهاد برای جابه‌جایی یا تعویق مسابقات را رد کردند.

زارع ادامه می‌دهد: این زلزله حدود ۳ تا ۴ میلیارد دلار خسارت مستقیم به بار آورد. در همان حال، میلیون‌ها دلار صرف آماده‌سازی مسیره‌های گردشگری، مراکز رسانه‌ای، تدارکات فرودگاهی و امنیت ورزشگاه‌ها شد، در حالی که هزاران قربانی زلزله در شهرهای چادری با دسترسی محدود و بی‌آرامی‌ند و مسکن آواره مانده بودند.

معاون مبارزه با سرقت پلیس آگاهی فراجا از اجرای موفقیت‌آمیز اولین مرحله طرح

سراسری مبارزه با سارقان قطعات و محتویات داخل خودرو در سال ۱۴۰۵ خبر داد. باشگاه خبرنگاران جوان - سرهنگ کارآگاه کمرنگ چهژی از تشریح جزئیات این مأموریت، اظهار کرد: در راستای ارتقای توان کشف و پاسخگویی به مطالبه شهروندان، اولین مرحله از طرح عملیاتی مبارزه با سارقان قطعات، لوازم و محتویات داخل خودرو در اوایل خردادماه به مدت ۳ روز به صورت همزمان در سراسر کشور به مرحله اجرا در آمد.

معاون مبارزه با سرقت پلیس آگاهی فراجا ضمن تمجید از عملکرد رده‌های استانی، خاطرنشان کرد: بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته، تهران بزرگ، خراسان رضوی

و یی با اشاره به بهره‌گیری از شیوه‌های نوین فنی و پلیسی در این طرح افزود: کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام اقدامات پیچیده اطلاعاتی، موفق شدند در این یازده زمانی کوتاه، ۳۲۵ سارق حرفه‌ای را شناسایی و دستگیر کنند. همچنین با اعترافات زهتمان و مستندات موجود، ۱۱۴۶ فقره جرم در حوزه سرقت قطعات و محتویات خودرو کشف و ساماندهی شد.

معاون مبارزه با سرقت پلیس آگاهی فراجا ضمن تمجید از عملکرد رده‌های استانی، خاطرنشان کرد: بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته، تهران بزرگ، خراسان رضوی